

## نقد

**یادداشتی درباره اردشیر محمص**

**آخرین روایت‌ها**



حسین گنجی

● «ما هرگز نخواهیم دانست که چه زمانی در تیرگی دوره‌های گذشته، انسان برای نخستین بار آواز خواند، قصید، مجسمه ساخت یا بر سنگ و دیوار نقاشی کرد، اما این را می‌دانیم که انسانی که نقاشی کرد، تزیین‌تر و کنجگاتر از انسان‌های دیگر بود. هیچ‌کس نمی‌تواند با اطمینان و قاطعیت بگوید که انسان اولیه شکارچی یا ابزارساز و کشاورز بود، اما در هنرمندبودن او تردیدی نیست». علی‌اصغر قره‌باغی، منتقد ایرانی، در کتاب «هنر نقد هنری» به گواه تاریخ و آنچه امروز به دست ما رسیده است، هنرمندان را اولین روایتگران تاریخ می‌داند که با نگاه متفاوت و تزیینی که داشته‌اند، توانسته‌اند با زبان تصویر وضعیت و زمانه خود و آنچه پیرامون آنها می‌گذشته را به روایت درآوردند که خود این روایت از آنچه روایت شده مهم‌تر است. امروز هم یکی از پراهمیت‌ترین کارکردهای هنرمند – در کنار البته دیگر اقدشار که به مدد تمدن به وجود آمده‌اند – در کنار زیبایی‌شناسی و دیگر وجوه هنری، همین روایتگری وضعیت موجود و احوال زمانه خود است. وضعیت‌ی که هر قشری، از روزنامه‌نگار، تا نویسنده، از معمار تا سیاست‌مدار، هرکدام به طریقی سعی در بیان آن در آثار خود دارند و بدان می‌پردازند. اما هنوز کلان‌روایت‌ها به مدد همان تیزهوشی و توانمندی و قدرت بیانگری تصویری به دست هنرمندان است. به‌خصوص در هنر اگر به سراغ طراحی و کاریکاتور برویم که فضای آن امکان ترسیم و ارائه گزارشی از وضعیت موجود و روایتگری بیشتر را نیز می‌دهد. کاریکاتور این امکان را در اختیار هنرمند می‌گذارد تا از چارچوب معمول و رسمی در نقاشی و طراحی خارج شود و به فرم‌های غریب‌وخاصی و اغراق‌شده‌ای بپردازد که معنای آنچه را می‌خواهد بیان کرده و آن را امکان‌پذیرتر کند.

اگر بپذیریم که هنرمند به جای کلمات از خطوط بهره می‌برد و به جای سخنرانی‌های طولانی یک روشنگر و گزارش‌های میدانی یک روزنامه‌نگار به مدد رنگ‌ها و حرکت قلم حرف‌ش را به میدان می‌کشد، اردشیر محمص دارای قوی‌ترین اثر، بکرترین اندیشه‌ها و دقیق‌ترین روایت‌ها در زمانه ما و در این رانر است. احمد شاملو درباره زبان و روایتی که محمص به دست ما رسانده است می‌گوید: «اگر قلم عبید چاقوی جراحی است، قلم اردشیر نیز چنین است– برای من این هر دو، ثباتان کاراکترهای جامعه‌اند.

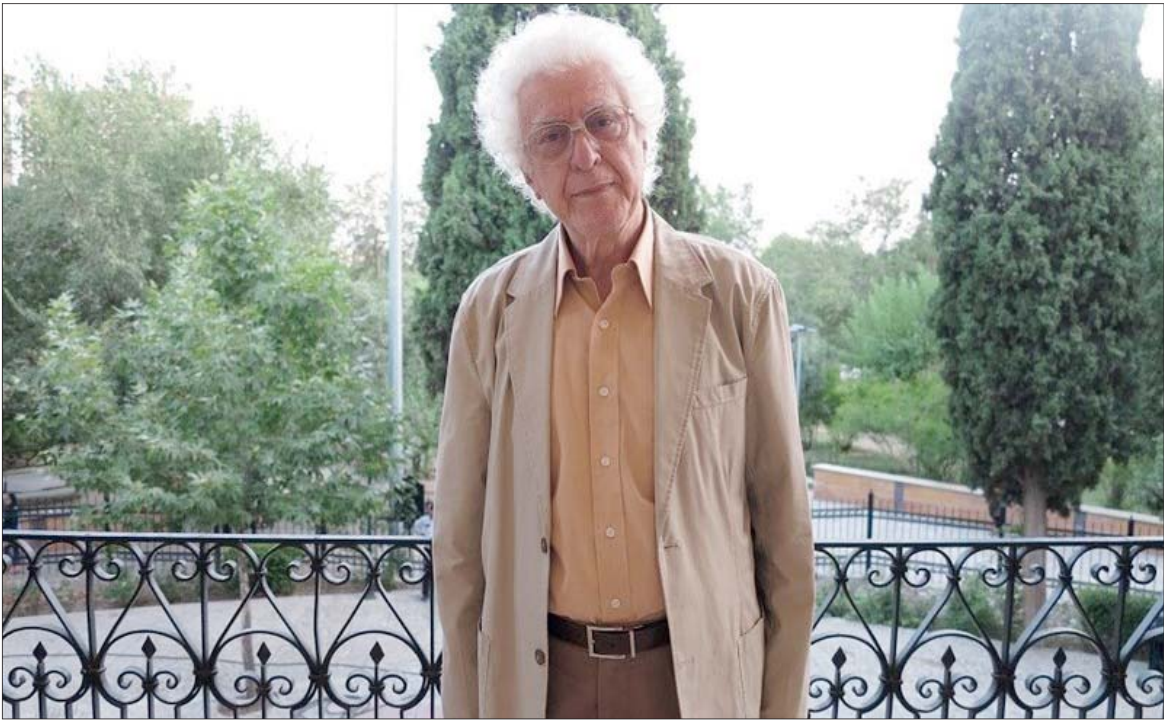
نشان‌دهندگان حاققت‌ها، طمع‌ها، یالانچی پهلوانی‌ها، خودپسندها… آدم‌های او آدم‌های آشنای جامعه‌اند ماییم و همسایگانمان». در رست در دوره‌ای که هنرمندانی ایرانی دریند زیبایی‌شناسی آثار مدرنیسم بودند او خود را از اسارت زیبایی‌شناسی جدا کرد و به معنا و آنچه قرار است گفته شود اصالت و اهمیت داد، اتفاقی که هم‌انکون نیز امری معاصر باید و محسوسانه شناخته می‌شود. به این اعتبار او را باید بی‌لکت‌ترین راوی زمانه معاصر دانست؛ «کار من به نوعی یک گزارش است. من تلاش می‌کنم تا جایی که می‌توانم راوی صادق وقایع پیرامونم باشم». احمد شاملو در جای دیگر و در تقسیم آنچه اردشیر محمص سعی در بیانش داشته، روزگاری نوشت: «اگر بخواهیم بپذیریم که کاریکاتورها، بیانی اغراق‌آمیز از واقعیت‌اند، آن‌گاه طرح‌های اردشیر کاریکاتور نیست. حداقل برای ما. اطرافیان و کسانی که با درد و رنج چهره‌های کارهایش آشناسیم. اردشیر علاوه بر یک هنرمند بااستعداد و توانا، واقع‌گرایی تیزبین باقی می‌ماند. او صورتگر و تصویرساز واقعیت پیرامونش است». همان چیزی که در ابتدا قره‌باغی در تعریف خود از انسانی که به هنر رمی‌آورد در برابر دیگر انسان‌ها بدان اشاره می‌کند. با وجودی که هنرمند از همان جامعه و مثل دیگر انسان‌هاست ولی دو تفاوت اساسی در نوع نگاه او وجود دارد که او را از دیگر افراد جامعه متفاوت می‌سازد؛ «یکی ابزار کار و زبان بیانی او و دیگری حساسیتی نسبت به پدیده‌ها و اتفاقاتی که دور و برش می‌افتد و نسبت به آنها واکنش و رویکردی متفاوت با دیگر افراد نشان می‌دهد».

هنرمند با استفاده از عوامل دیداری، شنیداری و نوشتاری واقعیت‌های بیرونی را تبدیل به اثر هنری می‌کند و وقتی این اسائل و موضوعات در قالب هنر جای گرفته، تأثیرش از خود واقعیت‌ها به مراتب بیشتر، ماندگارتر و مؤثرتر خواهد بود. آثار محمص از نوع قدرتمند چنین هنرمندی است، گزارش‌هایی بکر از زمانه پرماجر که بخش عمده‌ای از آنها هنوز زنده هستند، نفس می‌کشند و اعتبار دارند. روایت‌هایی که وابسته به زمان نیستند هرچند برآمده از زمانه هنرمند است و حاصل نگاه تیزبین و مکاشفات او هستند. آنچه در نمایشگاه انفرادی اردشیر محمص با عنوان «کارهای متأخر» در گالری آرتبیش در حال برگزاری است، آخرین روایت‌هایی است که از او به ما رسیده است. طراحی‌های متأخر اردشیر به مراتب اکسپرسیوتر، خشن‌تر و بیانگتر نیز هستند و علاوه بر تصویرهای شیواگانه، ما در آنها انبوهی از نش‌های بی‌پروا و بدون آداب و ترتیب را که بخشی از خاصیت آثار و کارهای اوست، شاهد هستیم. آنچه امروز و در این نمایشگاه پیش‌روی مخاطب قرار گرفته، تکه‌های قابل تامل از آخرین روایت‌های برجای‌مانده از اردشیر محمص است که امروز باید او را طراح – گزارشگر کم‌ظرف زمانه معاصر ایران بدانیم.

## تجسمی

**گفت‌وگو با غلامحسین نامی**، به بهانه انتشار کتاب «روزگار نو؛ خاطرات غلامحسین نامی»

# خاطراتی از دوران اوج فروغ هنر



**اختلاف نظری هم منجر شد. از آنجا که بسیاری از این چهره‌ها در قید حیات نیستند، آیا فرصتی برای تبادل نظر درمورد خاطرات با ایشان پیش از فوت‌شان فراهم شد؟**

من با همه دوستانم در ایران تماس ندارم و تصمیمم برای نگارش کتاب را تنها با بعضی از دوستان نزدیکم مطرح کرده بودم. اما همه این خاطرات از دید من نوشته و وقایع از نگاه من بیان شده، در نتیجه این گفت‌وگو با اسامی‌ای که در کتاب آمده، الزامی نبوده است. همچنین من باید اشاره کنم

که خاطرات، بازگوکننده مسائل خصوصی هیچ کسی جز من نیست. آنچه واضح است این است که دهه ۴۰ هجری شمسی یا همان ۱۹۶۰ میلادی اوج فروغ هنر بوده و بسیاری از اولین درجه‌های هنر معاصر از آن دوره رقم خورده و من سعی کردم با رعایت حقوق افراد، روزگار نو در آن سال‌ها را از دید خودم منتشر و ماندارگ کنم.

**کدام بخش از خاطرات برای خودتان جذاب‌تر بوده یا فکر می‌کنید کمتر به آن پرداخته شده است؟**

پاسخ به این سؤال مشکل است. همان‌طور که از فهرست کتاب مشخص است، من تمام وقایع مورد نظرم در دوره‌های مختلف را ثبت کرده‌ام. بخش‌هایی هم بوده که فراموش کردم یا به دلایلی امکان بیانش را نداشت‌ام، اما در بین آنچه به چاپ رسیده، قطعا خاطراتم با محمدابراهیم جعفری دوست عزیز ازدست‌رفته‌ها جذاب‌تر است و بخش زیادی از کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. جعفری از دوستان نزدیک من بود که از سال ۱۳۳۹ با ورود به دانشکده تا آخرین لحظات زندگی‌اش با هم رفاقت داشتیم. وقتی به نگارش خاطرات بین خودم و محمدابراهیم جعفری پرداختم، شوق زیادی داشتم که قابل نوشتن و یادآوری آن لحظات برای من خیلی جذاب بود.

**کتاب آرمان خلعتبری درباره گروه آزاد نقاشان و مجسمه‌سازان با فاصله‌ای اندک از کتاب شما منتشر شد، چقدر در جریان انتشار آن کتاب بودید؟ مدت‌ها قبل اطلاعاتی درباره این‌ گروه به آرمان خلعتبری داده بودم و بارها به صورت حضوری در ایران با تلفنی در زمان سکونت من در خارج از کشور، درباره این‌ گروه با هم صحبت کرده بودیم.**

گرچه متأسفانه هنوز این کتاب به دستم نرسیده ولی با شناختی که از آرمان خلعتبری دارم، از عالی‌بودن نتیجه اطمینان دارم.

**ک از سال‌های اخیر هنرمندان متعددی دست به انتشار کتاب خاطرات زدند؛ از زنده‌یاد ایران درودی گرفته تا علی‌اکبر صادقی و… این خاطرات تا چه حد تاریخ هنر معاصر ایران را توصیف می‌کنند؟**

در این سال‌ها که بیشتر خارج از کشور در کانادا ساکن بوده‌ام امکان مطالعه این کتاب‌ها را نداشت‌ام، اما خاطرات همه هنرمندان، به هر نحوی اهمیت بالایی دارد و حتی اگر تحریف شده باشند، در طول تاریخ واقعیت‌شان روشن می‌شود و از طرفی سرنخی برای دستیابی به تاریخ هنر مملکت طی دوران هستند. به نظر من هنرمندان جوان نیز باید از همین سنین هر آنچه در هنر می‌بینند و روزگاری که در هنر زمان خود می‌گذرانند را به نگارش درآوردند تا نسل‌های بعد را از اتفاق‌های دوران خود آگاه کنند. کسانی که از جوانی

به نگارش خاطرات می‌پردازند بخت بیشتری برای ثبت جزئیات دارند، چراکه ممکن است گذر دوران تا حدی خاطرات را در ذهن نویسنده کم‌رنگ کند و مخاطب اطلاعات کمتری از هنر تاریخ مورد نظر به دست آورد. به طور کلی تاریخ هنر هر مملکتی که دو بخش شفاهی و کتبی تقسیم می‌شود و تاریخ شفاهی کمتر از تاریخ کتبی دچار تغییر و تحریف می‌شود، در نتیجه اهمیت و اثرگذاری تاریخ



ازدست‌رفته‌ها جذاب‌تر است و بخش زیادی از کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. جعفری از دوستان نزدیک من بود که از سال ۱۳۳۹ با ورود به دانشکده تا آخرین لحظات زندگی‌اش با هم رفاقت داشتیم. وقتی به نگارش خاطرات بین خودم و محمدابراهیم جعفری پرداختم، شوق زیادی داشتم که قابل نوشتن و یادآوری آن لحظات برای من خیلی جذاب بود.

## کامبیز درم‌بخش؛ امیدی مغتنم در هنر

می‌شود.

آشنایی و دوستی من با او به اوایل دهه ۵۰ بازمی‌گردد و با ملاقاتی در کالری خانه آفتاب که محل برگزاری اولین نمایشگاه او بود آغاز می‌شود. با یادآوری اینکه حضور در کالری برای ارائه یک هنر روزنامه‌ای است که به قولی کارتون را در سطح هنر مطرح می‌کند. و سپس در روزنامه آیتندگان که مکان استقرار آیتندگان ادبی شد که در صفحات آن آثار هنرمندانه کامبیز درم‌بخش خوش درخشیدند، ادامه می‌یابد. لازم می‌دانم که این موضوع را ذکر کنم که آیتندگان فرهنگی و ادبی به وسیله گروه آبتوس که دوستان یک‌رنگ با ایشان بوده است، و گرافیک با فرهنگ و درک هنرمندانه از ترکیب‌بندی و رنگ‌آمیزی و طراحی با ابزارهای الکترونیک و فرامدرن را از ایشان دارند و اما چون پیشینیان به‌ناگزیر به خلق کارتون ژورنالیستی و به‌عنوان افراد کاب‌آمد به تحکیم بدنه تولید صنعت کارتون اشتغال دارند و اگر چند مخاطب عام را خطاب قرار می‌دهند، ولی در ارزش‌های عامیانه رها نمی‌شوند و نوعی دیسیپلین فرهنگی بر ایشان و کار ایشان حاکم است.



## گالری گردی

**آخر هفته معقول در گالری هما**

**شنبه با استادان**



● روز شنبه، ۲۰ آذر، گالری هما، میزبان مجموعه‌ای از آثار هنرمندان خواهد بود که با عنوان «آخر هفته معقول» در این گالری به نمایش درخواهد آمد. این نمایشگاه

۱۰روزه تا سه‌شنبه، ۳۰ آذر، در معرض تماشای عموم خواهد بود. گالری هما که معمولاً بیشتر بر برگزاری نمایشگاه انفرادی از هنرمندان متمرکز است که‌گاهی نمایشگاه‌های گروهی از هنرمندانش برگزار می‌کند. با این‌حال به نظر می‌رسد که مجموعه‌کنونی بیشتر از آنکه شامل آثار هنرمندانی باشد که معمولاً با گالری هما کار می‌کنند، شامل آثار بعضی چهره‌های بنام و استادان نیز هست؛ چنان‌که تصویر یکی از آثار پرویز تاولی روی پوستر این نمایشگاه به چشم می‌خورد. نمایشگاه «آخر هفته معقول» همه‌روزه از ساعت ۱۱ تا ۱۹ برپا خواهد بود و فقط در روزهای جمعه، ساعت کار گالری از ساعت ۱۶ تا ۲۰ است. طبق گفته گالری و برای جلوگیری از تجمع به واسطه همه‌گیری ویروس کرونا علاقه‌مندان باید وقت قبلی بگیرند. گالری هما به نشانی: خیابان کریم‌خان‌زند، خیابان سنایی، کوچه چهارم غربی، شماره ۸، واحد یک پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود.

**منتخب آثار اردشیر محمص در آرتبیشن**

**بازگشت دوباره از نیویورک**



● منتخبی از آثار اردشیر محمص، طراح مشهور ایرانی که در نیویورک اقامت داشت، از روز جمعه، ۱۹ آذر در گالری آرتبیشن به نمایش درمی‌آید. این نمایشگاه تا روز یکشنبه،

۲۸ آذر برپا خواهد بود. این نمایشگاه شامل تعدادی از آثار متأخر اردشیر محمص است که در آمریکا خلق شده‌اند. اردشیر محمص، طراح و کاریکاتویست مشهور متولد لاهیجان بود. او در دانشکاه تهران در رشته حقوق تحصیل کرد و کارش را از دهه ۱۳۴۰ با نشریات مختلف آغاز کرد. در میانه دهه ۱۳۵۰ تهران را به مقصد نیویورک ترک کرد در این شهر به فعالیت هنری بپردازد. محمص در ۱۸ مهر سال ۱۳۸۷ در ۷۰ سالگی در شهر نیویورک درگذشت. از اردشیر محمص چندین جلد کتاب طراحی به جا مانده است. در سال‌های اخیر نمایشگاه‌های زیادی از آثار این طراح و کاریکاتویست برچسته در تهران برگزار شده و کتاب‌ها و کاتالوگ‌هایی نیز از این آثار به چاپ رسیده است که امکانی برای مرور کارنامه او را فراهم می‌کند. آثار او به واسطه نوع نگاهش محبوبیت و علاقه‌مندان فراوان دارد. علاقه‌مندان به تماشای این نمایشگاه می‌توانند همه‌روزه از ساعت ۱۱ تا ۲۰ (ساعت کار گالری در روزهای جمعه ۱۶ تا ۲۰ است) به گالری آرتبیشن به نشانی: خیابان شریعتی، پایین‌تر از حسینیه ارشد، نرسیده به همت، گل نیسی (غرب)، میدان احمدی‌روشن (کتابی)، خیابان ساسانی‌پور، خیابان دریا (قدی)، شماره ۶ مراجعه‌کنند.

**نمایشگاه کره در نگارخانه علیها**

**ردیک معمار**



● نگارخانه علیها از روز جمعه، ۱۹ آذر پذیرای نمایشگاه انفرادی پوریا کیل (پوراابراهیم) است. این نمایشگاه تا دوشنبه، ۲۹

آذر پذیرای علاقه‌مندان خواهد بود. این نمایشگاه، «گره نام دارد و نخستین نمایشگاه انفرادی پوریا پوراابراهیم است که با کیورتوری مریم مهین برگزار می‌شود. روز ۲۵ آذر و در دین برگزاری نمایشگاه، ورک‌شاپ یک‌روزه با عنوان «درگدیسی یک طبیعت بی‌جان» نیز برگزار خواهد شد. پوریا پوراابراهیم متولد سال ۱۳۶۳ در تهران است و دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته طراحی شهری است. این نخستین نمایشگاه انفرادی پوراابراهیم است که تا پیش از برگزاری نمایشگاه «گره»، در چندین نمایشگاه گروهی شرکت کرده و آثارش را به نمایش گذاشته بود. درباره نگارخانه علیها آمده: «ایده اولیه نگارخانه علیها بر مبنای مفهوم تعامل شکل گرفته است. با این تعریف، اولویت این نگارخانه ایجاد یک شبکه ارتباطی منسجم، پویا و خلاق از طیف هنرمندان پیش‌کسوت و جوان است. به همین روی استعدادهای نو در کنار اصالت هنر استادان جایگاه ویژه‌ای در این شبکه منسجم خواهند داشت. افق دید این نگارخانه، نه‌تنها حوزه بومی و ملی بلکه حوزه بین‌الملل را نیز شامل می‌شود». علاقه‌مندان می‌توانند برای تماشای آثار همه‌روزه به جز روزهای شنبه از ساعت ۱۶ تا ۲۰ به نشانی: خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، کوچه ماهرزاده، کوچه رضائیان، ابتدای کوچه احمدی‌مقدم (ایزد)، شماره ۳۱، طبقه اول مراجعه‌کنند.